

عروسک‌هایی که می‌خواهند بدانند

گفت‌وگو با فردوس نادعلی‌زاده، کتابدار کتابخانه روستای مبارک‌آباد قم

اصالتاً شیرازی است و دست تقدیر او را به روستاهای قم کشانده است. کتابداری، آن هم در یکی از روستاهای اطراف شهر، ابتدا برای او فقط یک شغل بود، اما رفته‌رفته با عشق به کودکان درآمیخت. حالا همه هم و غمش این است که در این کتابخانه کوچک، که به گفته خودش به دنیایی بزرگ برای بچه‌های روستا تبدیل شده است، نسلی کتاب‌خوان بپرورد. نسلی که کتاب خواندن دغدغه‌اش و درونی‌اش شده باشد. اکنون به لطف وجود او، کتابخانه پاتوق مادران کتاب‌خوان و بچه‌هایشان است. مدرسه روستا زنگ قصه‌خوانی برای دانش‌آموزان ترتیب می‌دهد و دانش‌آموزان کتاب‌خوان را به ادامه راهشان تشویق می‌کند. نمی‌دانیم، شاید تحصیلات او در «جامعه‌شناسی» (کارشناسی) و «مدیریت اطلاعات» (کارشناسی ارشد) در ایجاد این روابط و موفقیت او بی‌تأثیر نبوده است، اما به نظر می‌رسد نقش اصلی در این میانه، با همان عشق و علاقه‌ای است که می‌گوید نسبت به افزایش آگاهی بچه‌ها دارد.

در کتابخانه به وجود آمد. روزهای اول تنها به بازی و نمایش عروسکی اختصاص داشت. کودکان عروسک‌ها را به آغوش می‌کشیدند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کردند. مدتی که گذشت، به بچه‌ها گفتیم این عروسک‌ها به اینجا آمده‌اند تا شما برایشان قصه بخوانید و به عروسک‌هایی دانا تبدیل بشوند. به این ترتیب قصه‌خوانی برای عروسک‌ها آغاز شد.

پس از مدتی بچه‌ها به‌قدری با عروسک‌ها ارتباط می‌گرفتند که گاه اصرار می‌کردند، عروسک مورد علاقه خود را چند روزی به خانه ببرند و موقع خواب برایشان قصه بخوانند. مادران بچه‌ها تعریف می‌کنند که کودکانشان چنان نسبت به این عروسک‌ها احساس مسئولیت دارند که حتی به آن‌ها غذا می‌دهند و برایشان قصه می‌خوانند تا بخوابد.

بعدها به بچه‌ها گفتیم می‌توانند عروسک‌هایی را هم که در منزل دارند، به کتابخانه بیاورند و برایشان قصه بخوانند و به این ترتیب عروسک‌ها از گوشه خانه‌ها و کمد‌ها بیرون آمدند و به درون کتابخانه کشیده شدند. حالا دیگر در همه جشن‌ها و برنامه‌هایی که در کتابخانه برگزار می‌شوند، عروسک‌ها حضوری پررنگ دارند. برخی از بچه‌ها حتی جشن‌های تولدشان را در کتابخانه و با حضور عروسک‌ها برگزار می‌کنند. طی این مدت، ۱۸ جشن تولد برای کودکان عضو کتابخانه برپا شده که نشانه‌ای خوب از ارتباط کودکان با کتابخانه و عروسک‌هاست. به‌طور کلی می‌توان گفت، عروسک‌های پوشالی و بی‌جان، به موجودهایی

دوستی که شما را به من معرفی کرد، گفت شما در کتابخانه روستای ولی عصر «مبارک‌آباد» فعالیت‌های جالبی برای جذب بچه‌ها به کتاب و کتاب‌خوانی دارید که از جمله آن‌ها طرح «عروسک‌های دانا» است. اگر اجازه بدهید از همین عروسک‌های دانا شروع کنیم.

راستش همیشه دغدغه‌ام این بود که چرا برای دعوت بچه‌ها به کتابخانه باید فراخوان بدهیم و چرا بچه‌ها، مشتاقانه و خودجوش در کتابخانه حضور مستمر ندارند. به همین دلیل دنبال عواملی بودم که بتوانند در کتابخانه محیطی شاد و لبریز از عاطفه و صمیمیت ایجاد و کودکان را جذب کند. بازی، به‌خصوص عامل جادویی «عروسک» از آن چیزهایی است که کودکان خیلی دوست دارند و از طریق عروسک‌بازی بسیاری از مفاهیم را دریافت می‌کنند. از طرف دیگر می‌دانید که عادت دادن افراد به مفهومی ارزشی و مثبت باید به شکل مستمر و ثابت تکرار شود تا فرد به آن عادت کند و جزو رفتارهای ثابت او شود.

کار با خرید چند عروسک و چیدن آن‌ها در قفسه‌ها آغاز شد. نکته مهم در خرید و انتخاب عروسک‌ها این بود که سعی کردم، عروسک‌ها برای هر دو جنس (مثل عروسک حیوانات یا شخصیت‌های محبوب تلویزیونی مانند کلاه قرمزی) قابل استفاده باشد. روزهای اول که بچه‌ها به کتابخانه می‌آمدند، با شوقی آمیخته به آن‌ها نگاه می‌کردند. وقتی هم می‌فهمیدند می‌توانند هر کدام را که دوست دارند بردارند، بسیار ذوق زده می‌شدند. با حضور عروسک‌ها، فضایی شاد و صمیمی



«جمع‌خوانی» است. من و بچه‌ها کتابی را انتخاب می‌کنیم و در جمع، هر کودک، چند خط از کتاب را می‌خواند و بعد به دوستش می‌دهد تا کتاب تمام شود. این کار توانایی خوانش بچه‌ها، دایرهٔ واژگان، اعتمادبه‌نفس، شادابی و روحیهٔ همکاری را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از کارهای ما «مسابقهٔ کتاب‌خوانی» است. من یا یکی از بچه‌ها قسمت‌هایی از یک کتاب را می‌خوانیم و بعد پرسش‌هایی از متن خوانده شده مطرح می‌کنیم تا بچه‌ها پاسخ دهند. هر کس زودتر و کامل‌تر پاسخ دهد، برنده است. برگزاری نمایشگاه دائمی از نقاشی‌های بچه‌ها یا آثار کارگاه‌های هنری، مانند کاردستی، نقاشی و خوش‌نویسی، برپایی نمایش‌های عروسکی با همکاری خود کودکان، و بازی‌ها و سرگرمی‌های فکری هم به افزایش تمایل حضور بچه‌ها در کتابخانه منجر می‌شود.

■ کتابخانهٔ ولی عصر روستای مبارک‌آباد چه امکاناتی دارد که بقیه ندارند؟

کتابخانهٔ حضرت ولی عصر، همانند دیگر کتابخانه‌های روستایی، از سهمیهٔ حداقلی برای دریافت منابع برخوردار است. این نشاط به دلیل اتفاق‌های داخل خود کتابخانه است. کتابی که چندین بار خوانده شده و برای بچه کسالت‌بار است، با نمایش و گاهی با آمیختن زبان طنز و مانند آن، به شکلی جدید به کودکان عرضه می‌شود. منابع کتابخانه محدود است، اما خلاقیت بیش از تعداد منابع بر جذب کودکان به مطالعه و کتابخانه مؤثر است. ما تلاش می‌کنیم با مدرسهٔ روستا هم تعامل و همکاری خوبی داشته باشیم. به همین دلیل جایزهٔ برتر هر ماه طرح عروسک دانا، در مدرسه و در حضور معلم، مدیر و دانش‌آموزان دیگر، به فرد برگزیده داده می‌شود تا تشویق کودک چند برابر شود. تأثیر این اتفاق به‌وضوح در کودکان قابل مشاهده است. مدیر مدرسه نیز ساعتی را برای قصه‌خوانی و امتیازاتی را برای بچه‌های کتاب‌خوان در نظر گرفته است.

■ خیلی خوب است که کتابخانه‌ای با مدرسهٔ روستا چنین رابطهٔ خوبی دارد. متأسفانه برخی از خانواده‌ها و حتی معلمان و مدیران مدارس تصور می‌کنند کتاب خواندن مانعی بر سر راه درس خواندن بچه‌هاست. این تصور البته واقعی نیست و یافته‌های کارشناسان نشان می‌دهد اتفاقاً خواندن کتاب‌های داستانی و تخیلی حتی می‌تواند موجب پیشرفت در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم شود.

بله چنین تصور اشتباهی وجود دارد که خوش‌بختانه ما به سهم خودمان در حال رفع آن هستیم.

■ و آخرین سؤال من این است که کتابخانهٔ روستا، به خصوص در حوزهٔ کودکان و نوجوانان چند کتاب دارد؟ در حوزهٔ کودک و نوجوان حدود ۱۰۰۰ جلد.

پویا و اثرگذار تبدیل شده‌اند و چه بسا تا ابد این خاطرات شیرین را در ذهن بچه‌ها ماندگار کنند. ناگفته نماند، من در منزل نیز با عروسک‌ها برای کودکانم قصه‌خوانی می‌کنم. این طرح از مهر ۱۳۹۶ آغاز شده است و هنوز با همان طراوت ادامه دارد. کتابخانهٔ ما فضای کوچک و امکاناتی اندک دارد، اما در همین فضای کوچک، دنیای بزرگی برای کودکان روستا به وجود آمده است.

■ به نظر می‌رسد با توجه به نکاتی که گفتید، طرح از حیث کیفیت خواندن، تأثیر خوبی به‌جا گذاشته است. من می‌دانم که در یک محیط روستایی مراجعان محدود هستند، ولی آیا از نظر کمی هم تعداد کتاب‌خوان‌ها بیشتر شده است؟

این طرح تأثیر خوبی بر افزایش آمار امانت و اعضای جدید، به‌ویژه عضوگیری کودک-مادر داشت. بنابر آمار، تعداد کل امانت‌ها در سال ۹۳ تا شهریور ۹۶ بالغ بر ۱۱ هزار امانت بوده است که پس از شروع این طرح، تنها در یک سال (مهر ۹۶ تا مهر ۹۷) نزدیک به ۶ هزار امانت به ثبت رسید. به عبارت دیگر، از رقم ۳۶۷ امانت در ماه به ۵۰۰ امانت در ماه رسیدیم. در همین مدت، تعداد اعضای کتابخانه از ۲۲۹ نفر به ۳۱۵ نفر افزایش یافته است که نشان می‌دهد، ظرف این یک سال ۸۶ عضو جدید جذب کتابخانه شده‌اند. اما مهم‌تر از افزایش تعداد اعضا، این است که بچه‌ها با شوق به کتابخانه می‌آیند و بچه‌های کوچک‌تر با اصرار، مادر یا خواهرشان را هم به کتابخانه می‌آورند تا با عروسک‌ها قصه‌خوانی کنند. ابتدا هدف ما کتاب‌خوان کردن کودکان بود، اما در دل این هدف، اتفاق مهم دیگری هم شکل گرفت.

■ چه اتفاقی؟

می‌دانید در روستاها، مادران سواد کمی دارند و چون تکرار و تمرین وجود ندارد، پس از چند سال دچار فراموشی می‌شوند و دیگر قادر به خواندن نیستند. با طرح جدید، مادران، همراه با فرزندان‌شان قصه‌های سادهٔ کودکان را می‌خوانند و ضمن آنکه از خواندن آن‌ها لذت می‌برند و به وجد می‌آیند، در واقع با هر کتاب، فرصتی برای تمرین و تقویت سواد خود پیدا می‌کنند. از این رو، مادران نیز از این طرح بسیار استقبال کرده‌اند. آن‌ها از اینکه کودکان، خودشان با ذوق بیدار می‌شوند و به کتابخانه می‌آیند و کنار عروسک‌ها به قصه‌خوانی می‌پردازند، خوش‌حال‌اند. در عین حال از این موضوع هم خوش‌حال‌اند که خودشان هم دارند کتاب می‌خوانند.

■ من می‌دانم برای افزایش رغبت بچه‌ها به کتاب و حضور مشتاقانه در کتابخانه، طرح‌ها و فعالیت‌های دیگری هم داشتید، اما راستش می‌خواهم از زبان خودتان بشنوم. چون حقیقتش شنیده‌ها و خواننده‌های من دربارهٔ طرح عروسک‌ها، با چیزهایی که خودتان گفتید، فرق می‌کرد. بله، برنامه‌های زیادی برگزار می‌شود. یکی از این برنامه‌ها